



ISSN: 2980-9614

Rational Explorations
Vol. 2, No.1, Spring 2023



Compassionate, Quranic and rational foundations of calamity negation in Islamic lifestyle

Seyed Hesamaldin Hosseini

Islamic lifestyle Quranic Research Center, Ahvaz Branch, Islamic Azad
University, Ahvaz, Iran

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Received:

10/02/2023

Accepted:

20/03/2023

The basis of the existence system and the creation of the world is based on the merciful grace of God Almighty, and this means that mercy is the essence and basis of the existence of a part of the world, and all phenomena, whether good or bad (of course, from an outward perspective) have a merciful basis. All worldly sufferings and hardships and all heavenly blessings and hereafter torments are or will be formed on the basis of divine mercy. The reasons for the punishment of the nature of the supreme right and the proof of grace and order and harmony of the world show that basically evil is non-existent and the sending of messengers and the legislation of religion is aimed at providing a way of life that humans and other creatures can live in conditions that are constantly blessed by the merciful grace of the right. May the Almighty benefit. Based on this, calamities will have no meaning unless they are self-made, which is in order to learn a lesson and return to the mercy of the Most High

Keywords: *Merciful, rational, disaster, Quranic*

***Corresponding Author:** Seyed Hesamaldin Hosseini

Address: Islamic lifestyle Quranic Research Center, Ahvaz Branch, Islamic Azad
University, Ahvaz, Iran

E-mail: shesamhosseini@yahoo.com



ISSN: 2980-9614

فصلنامه علمی
کاوش های عقلی



مبانی رحمانی و قرآنی و عقلانی نفی بلایا در سبک زندگی اسلامی

سید حسام الدین حسینی

مرکز تحقیقات پژوهش های قرآنی سبک زندگی اسلامی واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

shesamhosseini@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	اساس نظام وجودی و آفرینش عالم بر مبنای فیض رحمانی خداوند متعال
مقاله پژوهشی	استوار است و این بدان معنی است که رحمت اصل و اساس وجود بخشی به عالم است و همه پدیده ها چه نیک و چه بد مبنائی رحمانی دارد بنا بر
دریافت:	این تمام مصائب و سختی ها و مشکلات دنیوی و تمام نعمت های بهشتی
۱۴۰۱/۱۱/۲۱	و عذاب های اخروی بر اساس رحمانیت الهی شکل گرفته یا شکل می گیرد. دلایل تنزیهی ذات حق متعال و برهان لطف و نظم و هماهنگی جهان
پذیرش:	بیانگر آن است که اساساً شرّ عدمی است و ارسال رسل و تشریح دین در
۱۴۰۱/۱۲/۲۹	جهت ارائه سبکی از زندگی است که انسان و سایر مخلوقات در شرایطی به سر برند که دائماً از فیض رحمانی حق متعال بهره مند شوند. بر این
	اساس بلایا معنایی نخواهند داشت مگر اینکه خودساخته باشند که آن هم در جهت عبرت گرفتن و بازگشت به سوی رحمت رحمانیه حق متعال جلّ و علا است.

کلمات کلیدی: رحمانی، عقلانی، بلایا، قرآنی

۱- مقدمه

خداوند متعال در آیات شریفه قرآن تصریح و تاکید بر رحمانیت خویش نموده است^۱ تا آنجا که پس از «الله» که کامل ترین و جامع ترین نام او است، نام «رحمن» را برای خویش برگزیده است^۲ و فلسفه آفرینش خلق را رحمت خویش و برخورداری مخلوقات از فیض رحمانی خود ذکر کرده است.^۳ از طرفی ارسال رسول و پیامبر را برای هدایت و نجات خلق از گمراهی و تاریکی های جهل^۴، بر اساس رحمت خویش دانسته است.^۵ و از سوی دیگر مصیبت ها و مرگ را، سببی جهت برخورداری نیکوکاران از رحمت بیشتر^۶ و عاملی برای جلوگیری از گناه و خطای بیشترگناه کاران قرار داد.^۷ و علت گرفتاری و مصائب آنان را خودشان و یأس از رحمت الهی دانست.^۸ رحمانیت، بارزترین و اساسی ترین ویژگی اسماء الهی است که در عالم تکوین و تشریح ظهور و بروز و تجلی یافته است تا آنجا که می توان گفت عالم هستی با تمام موجودات و مراتب آن و

۱ - كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (انعام، ۱۲) إِنْ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (مريم، ۹۶)

۲ - قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (اسراء، ۱۱۰) وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (بقره، ۱۶۳)

۳ - إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبِّي وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ... (هود، ۱۱۹) وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ (اعراف، ۱۵۶)

۴ - الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (اعراف، ۱۵۷) وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (اسراء، ۸۲)

۵ - وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (انبیاء، ۱۰۷) وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أذُنٌ قُلٍ أذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ... (توبه، ۶۱)

۶ - إِنْ اللَّهُ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً بَضَاعِفًا وَبُوتَ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا (نساء، ۴۰) مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (نساء، ۷۹)

۷ - وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (عنكبوت، ۲۳) وَرَبِّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلُ لَهُمُ الْعَذَابُ... (كهف، ۵۸) وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (روم، ۳۳)

۸ - قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّي إِلَّا الضَّالُّونَ (حجر، ۵۶) قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (زمر، ۵۳)

تمامی نعمت‌ها و عذاب‌های الهی، از این صفت ربوبی سرچشمه می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین دلایل این دیدگاه تکرار ۱۱۳ باره صفت رحمت در آیه بسم الله الرحمن الرحیم، با دو صیغه رحمن و رحیم در ابتدای سور قرآن کریم است، سُورِی که در بردارنده تمام وعد و وعیدها و احکام و دستورات و نعمت‌ها و نعمت‌های الهی است. سوال مهم این است که چرا خداوند متعال در جهت توصیف اسم خود تنها به اسم رحمت اکتفاء نموده است و از ذکر آن همه اسماء حسناى خویش چشم‌پوشی کرده است؟ در این صفت چه ویژگی نهفته بوده است که در ابتدای ۱۱۳ سوره با دو ویژگی صفت مشابه و صیغه مبالغه که دلالت بر ثبات و کثرت و فزونى رحمت دارد پرداخته است؟ در حالی که می‌توانست در ابتدای هر سوره پس از الله اسماء دیگر را ذکر کند. از سویی انسان به عنوان کامل‌ترین و برترین مخلوق خدای رحمان مظهر اتم و اکمل تجلیات الهی و بروز صفات خداوند و کامل‌ترین مصداق رحمانیت الهی است که در وصفش فرموده است: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (تین/۴) که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم. بر این اساس حکمت الهی اقتضاء دارد که انسان را بیهوده نیافریده باشد^۱ و برای رشد و تعالی او در دنیا و آخرت برنامه‌ای داشته باشد. ارسال ادیان و ارائه سبک زندگی متناسب با ساختار آفرینش توسط رسولان الهی در این راستا است و این نوشتار گامی کوچک و لرزان در جهت به تصویر کشیدن رحمانیت گسترده و عالم‌گیر حق متعال در ملک و ملکوت و بیان جایگاه انسان در نظام آفرینش و بیان سبک زندگی مورد نظر خداوند متعال جل و علا است. همان سبکی از زندگی که بر اساس عمل صالح (نحل/۳۷) که مظهریت آن در عمل به دستورات خدا و رسول و به تعبیری سبک زندگی اسلامی است شکل می‌گیرد و عاملی اساسی در زندگی بر مبنای نظام خلقت و مطابقت نظام تشریح با نظام تکوین و برخوردارى انسان از فیض رحمانی حق جل و علی است

۱ - اَفْحَسِبْتُمْ اَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَاَنْتُمْ اِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (مومنون/۱۱۵)

که نتیجه آن در امان ماندن از بلایا و مصائبی است که انسان به دست خویش یا به سبب عدم پیروی از دستورات خداوند و انبیاء الهی برای خود می آفریند.

۱- وجود رحمانی حق متعال

۱-۱- دلایل عقلی وجود رحمانی

همچنان که بیان شد اساس نظام وجودی و آفرینش عالم بر مبنای فیض رحمانی خداوند متعال استوار است و این بدان معنی است که رحمت اصل و اساس وجود بخشی به عالم است و همه پدیده ها چه نیک و چه بد (البته با نگاه ظاهرینانه)^۱ مبنائی رحمانی دارد بنا بر این تمام مصائب و سختی ها و مشکلات دنیوی و تمام نعمت های بهشتی و عذاب های اخروی بر اساس رحمانیت الهی شکل گرفته یا شکل می گیرد زیرا:

۱-۱- آفرینش اگر بر مبنای رحمت نباشد گمان نوعی منفعت طلبی را در ذهن انسان پدید می آورد در حالیکه اگر مبنای رحمت و رحمانیت داشته باشد چنین گمانی معنی نخواهد داشت. توضیح اینکه اگر خداوند به سبب صفاتی همچون قدرت، علم، حیات، اراده و... مخلوقات را بیافریند این گمان را در ذهن انسان ایجاد خواهد کرد که او قصد قدرت نمائی یا نشان دادن یکی از صفات کمالیه خود را داشته است در حالیکه خداوند به چنین کاری نیاز ندارد. البته روشن است که خداوند در آفرینش از این صفات هم استفاده کرده است اما همه این صفات در جهت اظهار رحمانیت خداوند به کار گرفته شده اند و اگر غیر از این بود، لازمه اش نقص و نیازمندی خداوند خواهد بود. شاید رمز اینکه خداوند در توصیف نام الله که اسم خاص او و مستجمع جمیع صفات کمالیه است در تمام بسم الله های ابتدای سوره های قرآن کریم از دو صفت رحمن و رحیم که هردو بیانگر رحمانیت او است استفاده کرده است همین باشد. چرا که خداوند می

^۱ - بر اساس مبانی اثبات شده فلسفی و دینی، شُرور عدمی هستند (ملاصدرا، ۱۳۸۰ج ۷ص ۸۴) و اساسا چون آفریننده جهان حکیم و عالم به همه امور است نباید نقص و عیبی در جهان آفرینش وجود داشته باشد و آنچه را انسان نقص یا شر می پندارد یا به سبب آن است که ملاک شر و بدی را زیان خود می پندارد یعنی اگر چیزی به زیانش بود بد و اگر نبود خوب می داند در حالی که آن چیزی که ممکن است برای انسان بد شمرده شود، برای بسیاری از موجودات دیگر نیک و مناسب باشد. و یا اینکه منشا آن شر و بدی، عمل انسان ها بر علیه یکدیگر است. و واضح است که این امور ربطی به شر بودن فعل خداوند ندارد.

توانست در ابتدای هر سوره پس از نام الله به یک یا چند صفت غیر از رحمانیت اشاره نماید. ممکن است اشکال شود که خداوند در آیات متعددی همچون آیه الكرسي یا آیات اولیه سوره حدید یا آیات اواخر سوره حشر و یا آیات سوره توحید به اظهار صفات کمالیه خویش همچون وحدانیت، قیومیت، صمدیت و اولیّت و آخریّت و... پرداخته و آنها را در جهت توصیف خویش به کار برده است، اما در پاسخ باید گفت که بیان این صفات به جهت درک عظمت و شکوه و جلال الهی صورت گرفته است تا انسان عبودیت غیر او را نپذیرد و بفهمد که خدا از همه چیز برتر و والاتر است و بدینگونه از شرایط برخورداری هر چه بیشتر از فیوضات رحمانی بهره مند گردد. یعنی اشاره به دیگر صفات در جهت برخورداری انسان ها از رحمت بوده است.

۱-۲-برهان لطف^۱ که در جهت اثبات سه اصل توحید، نبوت و امامت به کار گرفته می شود بدون وجود رحمت الهی، معنی نخواهد داشت و اساساً اگر رحمتی نباشد لطفی هم صورت نخواهد پذیرفت. توضیح اینکه در بحث توحید برای تنزیه خداوند از هرگونه نقص، (و توجیه دلیل ارسال پیامبران و امامان برای هدایت خلق) به صفت لطف تمسک می جوئیم و عدم وجود نقص در آفرینش عالم را به دلیل وجود لطف و علم و حکمت الهی می دانیم بدین معنی که اقتضای لطف و علم و حکمت الهی آن است که در آفرینش مخلوقات هر آنچه مورد نیاز مخلوقات است بیافریند و الا خداوند در حق آنها جفا کرده است و چون این امر محال است پس باید خداوند به نیازهای تمام مخلوقات و در همه امور توجه کرده باشد. اکنون این سوال مطرح می شود که اگر خداوند بر اساس رحمت عالم را نیافریده باشد اساساً لطف و علم و حکمت می تواند دلیل آفرینش باشد؟ قطعاً خیر، زیرا لطف و علم و حکمت، تنها نقص نداشتن آفرینش را به اثبات می رساند اما هدف خداوند از آفرینش را نمی توان به جز رحمت چیز دیگری دانست؟ به عبارت دیگر رحمت منشا لطف است نه لطف منشا رحمت.

^۱ - رک: طوسی، نصیرالدین، تجرید الاعتقاد ص ۱۰۶

۲- جهان هستی جهانی هماهنگ و بدون نقص

از آنجا که الله تعالی ذات مستجمع جمیع کمالات است و در آفرینش بر اساس علم و حکمت بی انتهای خویش عمل می کند نباید در آفرینش او هیچگونه نقص و کمبودی وجود داشته باشد بنا بر این وجود بلایا در نظام خلقت امری عرضی است و مکمل و نظام دهنده به عالم هستی است و این دید محدود و ناقص ما است که اینگونه امور را شر و نقص می پنداریم خداوند متعال در توصیف آفرینش خود می فرماید: *الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ * ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ* (ملک/۳-۴) همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می کنی؟! * بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان ناکام مانده) به سوی تو باز می گردد در حالی که خسته و ناتوان است!

راغب اصفهانی در کتاب مفردات در رابطه با معنای تفاوت در آیه: *ما تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ* می فرماید: در خلقت خدا چیزی که از مقتضای حکمت خارج باشد وجود ندارد (راغب اصفهانی، ماده فوت). بنا بر این تفاوت های ناشی از محدودیت مخلوقات امری حکیمانه است. علامه طباطبایی در ذیل آیات مذکور می فرماید: پس منظور از نبودن تفاوت در خلق، این است که تدبیر الهی در سراسر جهان زنجیروار متصل به هم است، و موجودات بعضی به بعض دیگر مرتبطند، به این معنا که نتایج حاصله از هر موجودی عاید موجود دیگر می شود، و در نتیجه دانش به موجوداتی دیگر وابسته و نیازمند است. در نتیجه اصطکاک اسباب مختلف در عالم خلقت، و برخوردشان نظیر برخورد دو کفه ترازو است که در سبکی و سنگینی دائما در حال مقابله می باشند، این می خواهد سبکی کند او نمی گذارد، او می خواهد سنگینی کند این نمی گذارد، این می خواهد بلند شود او نمی گذارد، او می خواهد بلند شود این مانع می شود، و نتیجه این کشمکش آن است که ترازودار بهره مند می شود. پس دو کفه ترازو در عین اختلافشان در به دست آمدن غرض ترازودار اتفاق دارند، و یا به عبارتی دیگر اختلاف آنها است که باعث می شود

ترازودار جنس کشیدنی خود را بکشد و وزن آن را معلوم کند. پس منظور از نبودن تفاوت در خلق این شد که خدای عز و جل اجزای عالم خلقت را طوری آفریده که هر موجودی بتواند به آن هدف و غرضی که برای آن خلق شده برسد، و این از به مقصد رسیدن آن دیگری مانع نشود، و یا باعث فوت آن صفتی که برای رسیدنش به هدف نیازمند است نگردد. خطاب در جمله: «ما تَرَى - نخواهی دید» خطاب به شخص رسول خدا (ص) نیست، بلکه خطاب به هر کسی است که می‌تواند ببیند، و اگر کلمه «خلق» را به کلمه «رحمان» اضافه کرد، و به نام مقدس رحمان نسبت داد، برای این است که اشاره کند به اینکه غایت و هدف از خلقت، رحمت عام او است، و اگر کلمه «تفاوت» را نکره - بدون الف و لام - آورد، با در نظر گرفتن این که این نکره در سیاق نفی قرار دارد و نکره در سیاق نفی عمومیت را می‌رساند، در نتیجه معنا چنین می‌شود که: در سراسر جهان هیچ تفاوتی نمی‌بینی. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ج ۱۹، ص: ۵۸۹-۵۸۸)

در آیه بعد نیز خداوند از باب تاکید بر بدون نقص بودن نظام آفرینش می‌فرماید: *ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ* (ملک/۴) بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان ناکام مانده) به سوی تو باز می‌گردد در حالی که خسته و ناتوان است!

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: این آیه چنین معنا دهد که در خلقت آسمانها و زمین بنگر، آیا هیچ تفاوت و ناسازگاری در بین موجودات آن می‌بینی؟ و دوباره و سه باره و چند باره برگرد و نظر بیفکن، که اگر چنین کنی نظرت خسته می‌شود و از کار می‌افتد، و هیچ تفاوتی نخواهی دید. پس در این دو آیه به این نکته اشاره شده که نظام جاری در عالم نظامی است واحد و متصل الاجزاء و مرتبط الأبعاض. (طباطبایی، ج ۱۹، ص: ۵۸۹-۵۸۸).

از سوی دیگر بر اساس مبانی فلسفه اسلامی، هستی و وجود اصالت و حقیقت و واقعیت دارد و نظام خلقت بدون نقص و عیب آفریده شده است چون عالم هستی معلول و آفریده خداوندی است که هیچگونه نقصی ندارد و ذات او سراسر هستی و به دور از هرگونه نیستی است بر این

اساس است که خداوند آفرینش عالم را بدون نقص و به بهترین شکل ممکن توصیف می کند: **الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ** (سجده/۷) او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد.

و در آیه ای دیگر می فرماید: **خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ** (تغابن/۳) آسمانها و زمین را بحق آفرید و شما را (در عالم جنین) تصویر کرد، تصویری زیبا و دلپذیر و سرانجام (همه) بسوی اوست.

بنا بر این هر گونه نقص و عیبی در عالم پدید آید ذاتی آن نیست بلکه امری عرضی است که توسط غیر خداوند پدید می آید خداوند متعال می فرماید: **وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ** (شوری:۳۰) هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده اید، و بسیاری را نیز عفو می کند!

و در آیه ای دیگر می فرماید: **مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا** (نساء:۷۹) آنچه از نیکی ها به تو می رسد، از طرف خداست و آنچه از بدی به تو می رسد، از سوی خود توست. و ما تو را رسول برای مردم فرستادیم و گواهی خدا در این باره، کافی است.

بر این اساس ویروسی مانند کرونا که برخلاف دیگر ویروس های موجود در طبیعت ساختاری مخرب و نابودگر دارد نیز یا به سبب زیاده طلبی و حرص انسان برای قدرت بیشتر (که در آفرینش اولیه بدینگونه نبوده است) یا از سر خطا و عمل نکردن به دستورات خداوند متعال پدید آمده است. این امر نشانگر آن است که بشر هر چه از دست قدرتمند و رحمانی و همراه با لطف و رحمت و عنایت حق متعال دوری گزیند بیشتر به خود آسیب می زند و در باتلاق خودساخته اش فرو می رود.

۳- حیات طیبه مظهر حقیقی سبک زندگی اسلامی رحمانی

قرآن کریم حیات طیبه را مظهر حقیقی حیات انسان برشمرده است: **مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ** (نحل/۹۷) هر کس

از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند پاداش خواهیم داد. بر این اساس عمل صالح که مظهریت آن در عمل به دستورات خدا و رسول و به تعبیری سبک زندگی اسلامی است عاملی اصلی در زندگی بر مبنای نظام خلقت و مطابقت نظام تشریح با نظام تکوین و برخوردارگی انسان از فیض رحمانی حق جلّ و علی است. سبک زندگی اسلامی عبارت از شیوه زندگی با ثبات و پایدار و مستمر و هدفمندی است که برگرفته از قرآن، سنت و عقل و علم است. در تایید این تعریف از قرآن کریم می توان برای هر یک از موارد فوق نمونه ای ذکر کرد:

۱-۳- زندگی همراه با بصیرت: قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (یوسف/۱۰۸) بگو: «این راه من است من و پیروانم، و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم! منزّه است خدا! و من از مشرکان نیستم!» بر اساس این آیه شریفه پیامبر اکرم (ص) راه و شیوه و سبک زندگی خود و پیروانش را بر مبنای بصیرت و بینش و آگاهی معرفی می کند به گونه ای که تنها تکیه گاه انسان خداوند است و محور امور تنها اوست و لا غیر.

۲-۳- زندگی در پرتو عقلانیت: وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (ملک/۱۰) و می گویند: «اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می کردیم، در میان دوزخیان نبودیم!» و آیه: الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ (زمر/۱۸). همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمنداند.

بنا بر این عقلانیت محور نجات انسان در دنیا و آخرت و عامل سعادت‌مندی انسان و موجب به کار بستن روش های درست و انتخاب بهترین راه و روش ها در جهت غلبه بر مشکلات و مصائب و بلاهای مادی و معنوی و ایجاد جامعه ای مصون از بدی ها و خطاها می شود. امام کاظم علیه السلام در مورد عظمت و جایگاه عقلانیت در سبک زندگی اسلامی از آن تعبیر به پیامبر

باطنی می کند: ان الله على الناس حجتين حجة ظاهرة و حجة باطنه فاما الظاهرة فالرسل و الانبياء و الائمه و اما الباطنة فالعقول : خداوند را بر مردم دو حجت است حجتی آشکار و حجتی پنهان و درونی، حجت آشکار رسولان پیامبران و امامان هستند و حجت باطنی عقلانیت است. (اصول کافی ۱۳۶۲ ج ۱ ص ۱۶) .

۳-۳- زندگی در پرتو علم و دانش: خداوند متعال برای جلوگیری از خطاوری بشر و مبتلاء شدن به اعمال نابخردانه و گرفتار کردن خود و جامعه، او را به پیروی از علم و دانش و دوری از پیروی از عمل و رفتار جاهلانه دعوت نموده است چرا که اگر اینگونه عمل نکند خودش مسؤل رفتار خویش و مشکلاتی است که ممکن است برایش فراهم شود: *وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا* (اسراء/۳۶) از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسئولند.

بر این اساس سبک زندگی اسلامی بهترین شیوه برای زندگی به دور از همه بدی ها و آفات و بلاهاست زیرا انسان با تکیه بر معارف و حیانی و شریعت الهی رحمانی و با بهره گیری از عقل و علم، طریق و سبک زندگی خود را انتخاب می کند و استوارترین و سعادتمندانه ترین راه را بر می گزیند که قرآن از آن تعبیر به حیات طیبه می کند:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل / ۹۷) هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد.

انسان در این راه از خوف و ترس و هراس از بلایای ارضی و سماوی به دور است و حزن و اندوهی متوجه او نیست چرا که با تکیه بر علم و عقلانیت در جرگه اولیاء الهی قرار گرفته است و دست قدرتمند ولایت الهی به سرپرستی و نصرت او می پردازد: *اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...* (بقره/۲۵۷) خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند آنها را از ظلمتها، به سوی نور بیرون می برد.

و دست قدرتمند الهی موجب نجات انسان از بلایا و هر گونه بدی و غم و اندوه می شود: وَ يَنْجِي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (زمر/۶۱) و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند با رستگاری رهایی می بخشد هیچ بدی به آنان نمی رسد و هرگز غمگین نخواهند شد.

و یاری و نصرت الهی، ثبات و پایداری و استحکام و استقرار را در زندگی انسان تضمین می کند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أقدامَكُمْ (محمد/۷) ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گامهایتان را استوار می دارد.

بنا بر این بلاء در نزد این افراد مایه رشد و کمال و جلوه ای است از فعل رحمانی حق متعال آنچنان که امام علی علیه السلام در خطبه ۱۰۸ می فرماید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَجَلَّى لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ وَ الظَّاهِرِ لِقُلُوبِهِمْ بِحُجَّتِهِ... در واقع آنچه ما بلا می بینیم تجلی فعل جمیل حق متعال است که یا در نگاه ناقص و محدود ما بلاء است و یا بلایی خود ساخته است که همچون آینه زنگار گرفته تصویری ناخوشایند از جمال ربوبی را به نمایش می گذارد. جهان هستی جز خیر نیست. فرماید: وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ. (شوری: ۳۰) هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده اید، و بسیاری را نیز عفو می کند!

۳-۴- توکل و تکیه به خدای تدبیرگر عالم و دین الهی

خداوند متعال در سوره هود در مورد اینکه انسان می تواند با تکیه بر حکمت و قدرت الهی بر تمامی مشکلات فائق آید از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (هود/۵۶) من، بر «اللَّهُ» که پروردگار من و شمامست، توکل کرده ام! هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه او بر آن تسلط دارد (اما سلطه ای با عدالت! چرا که) پروردگار من بر راه راست است! آیه فوق به همراه این آیه شریفه: وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (هود/۶) هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و

انتقالش را می داند همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است! (در لوح محفوظ، در کتاب علم خدا) بیانگر این نکته هستند که زمام همه چیز به دست خدا است و تنها راه انسان برای رهایی از مشکلات تکیه کردن به خداوند و راه و روش و سبکی است که خداوند برای زندگی بشر طراحی کرده است خداوند متعال در آیات متعدد به توصیف این راه پرداخته است که ما تنها به چند مورد اکتفاء می کنیم:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (شوری/۱۲-۱۳) آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می کند.

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (اعراف/۱۵۷) همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می کنند پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند آنها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز میدارد اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می شمرد، و ناپاکی ها را تحریم می کند و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) بر می دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند.

تدبّر در دو آیه فوق نشان می دهد که سبک زندگی که خداوند در این دو آیه به تبیین آن پرداخته است اولاً: شامل تمام ادیان الهی می شود و ثانیاً: شیوه ای را برای زندگی بشر تشریح می کند که بر اساس اصل امر به معروف و نهی از منکر شکل می گیرد، اصلی که موجب احساس مسولیت

فردی و جمعی بشر نسبت به آینده خویش و تلاش در جهت نفی بدی ها و شرور استوار است و مبنای آن نیز عمل به احکام و دستورات و به تعبیر دقیق تر حلال هایی است که زندگی طیب و دلنشین و خوشایند را برای نوع بشر فراهم می کند و نفی حرام هایی است که تمامی شرور و بدی ها و خباثت ها و پلیدی ها از آنها برمی خیزد. علامه طبرسی در تفسیر حلال و حرام می فرماید: پیامبر، چیزهای لذتبخش و خوب را برای آنها مباح و چیزهای زشت و مورد تنفر را بر آنها حرام می - کند (طبرسی، ۱۳۶۰ ج ۱۰، ص: ۸۱). بر این اساس سبک زندگی اسلامی بهترین شیوه برای زندگی به دور از همه بدی ها و آفات و بلایا است زیرا انسان با تکیه بر معارف و حیانی و شریعت الهی رحمانی و با بهره گیری از عقل و علم، طریق و سبک زندگی خود را انتخاب می کند و استوار ترین و سعادت‌مندانه ترین راه را بر می گزیند.

نتیجه گیری:

اصالت رحمت در آفرینش، برهان لطف، برهان نظم و هماهنگی نظام خلقت، که حکایتگر آفریننده ای حکیم و آگاه است که جهان هستی را بدون نقص و به بهترین شکل ممکن آفریده است و اینکه عالم هستی معلول و آفریده خداوندی است که هیچگونه نقصی ندارد و ذات او سراسر هستی و به دور از هرگونه نیستی است نشانگر آن است که هر گونه نقص و عیبی در عالم پدید آید ذاتی آن نیست بلکه امری عرضی است که توسط غیر خداوند پدید می آید (شوری: ۳۰) بر این اساس در ساختار نظام خلقت شرّ و بلا امری عدمی است و انسان می تواند با عمل به سبک زندگی برگرفته از تعالیم اسلام که دعوت به زندگی همراه با بصیرت، زندگی در پرتو عقلانیت، زندگی در پرتو علم و دانش، توکل و تکیه به خدای تدبیرگر عالم و دین الهی می کند به حیات طیبه الهی دست یابد و خود را از بلایای خود ساخته رها سازد.

قرآن کریم

نهج البلاغه

راغب اصفهانی، حسین، مفردات القرآن، ۱۳۸۳، تهران، مرتضوی

طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ۱۳۷۸، تهران، امیر کبیر

طبرسی، محمد، تفسیر مجمع البیان، ۱۳۸۴ قم، ناصر خسرو

طوسی، نصیرالدین، تجرید الاعتقاد، ۱۳۸۸ تهران، کتابفروشی اسلامیة

کلینی، محمد، اصول کافی، ۱۳۶۲، تهران: انتشارات دارالتقلین

محمد بن ابراهیم، صدرالدین شیرازی، الاسفار الاربعه، ۱۳۸۳ تهران، موسسه بنیاد حکمت اسلامی

صدرا